



از تباین ذاتی الگوی هیأتی با ساختار دولت مدرن تا ظرفیت مدنی هیئت

فیرحی معتقد است اخلاق و الگوی هیأتی با ساختار دولت مدرن تباین ذاتی دارد. در مقابل داود مهدوی زادگان هیئت های مذهبی را واجد ظرفیت های مدنی بالایی در باز کردن گره های بوروکراسی می داند.

فیرحی معتقد است اخلاق و الگوی هیأتی با ساختار دولت مدرن تباین ذاتی دارد. در مقابل داود مهدوی زادگان هیئت های مذهبی را واجد ظرفیت های مدنی بالایی در باز کردن گره های بوروکراسی می داند.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام داود فیرحی، استاد دانشگاه تهران در یادداشتی با عنوان هیأت های مذهبی و دولت مدرن به بیان تضاد رفتار هیأتی و دولت ملی پرداخته است:

به تصادف گفتگویی را در یکی از برنامه های تلویزیون کشورمان دیدم که کارشناس محترم از کارکرد سیاسی هیأت های مذهبی سخن می گفت. هیأت چیز خوبی است و نقش زیادی در تربیت مذهبی به ویژه قشر جوان دارد و بنا به تجربه ای که در تاریخ معاصر ایران داریم باید هم هیأت ها باشند. لیکن، اخلاق و الگوی هیأتی با ساختار دولت مدرن تباین ذاتی دارد. هیأت های مذهبی امتداد بومی شده زندگی انجمنی در دوره مشروطه و قبل آن هستند و در بهترین حالت خصلت محلی، عاطفی و محفلی دارند و عصیت ها و رقابت های محله ها را در مناسبات مذهبی هم به نمایش می گذارند.

چنین الگوی رفتاری؛ یعنی رفتار هیأتی، از سه جهت با ساختار و اهداف دولت ملی در تضاد است؛

۱. نخست این که الگوی هیأتی با بروکراسی ضروری در دولت مدرن، سر آشتی ندارد، قواعد و به طور کلی نظام اداره ملی را به اعتمادهای هیأتی و محفلی فرو می کاهد.

۲. دوم اینکه هویت ملی را به ملاحظه تعصبات هیأتی که عمدتاً گرایشات محلی و محله ای دارند، دچار چالش می کند.

۳. سوم و مهم تر؛ هیأت های مذهبی چنان که از نامشان پیدا است، نه تنها بنیاد مذهبی دارند و باید هم چنین باشد، بلکه هر هیأتی تفسیرها و سلیقه های مذهبی خاص خود را دارد که با سلیقه حتی هیأت هم مسلک همسایه از یک سوی، و منافع ملی کشوری که بوستان ادیان و مذاهب متکثر است از سوی دیگر، تخالف آشکار دارد.

هیأت های مذهبی، هرچند، بسیار ارزشمند و مفید هستند اما به هر حال، ماهیت محفلی، قومی و محلی دارند و تحمیل کار ویژه اداره دولت مدرن به هیأت ها، از هر دو جهت ویرانگر است؛ هم هیأت های مذهبی و هم دولت مدرن، هر دو را، تخریب می کند. برای اداره دولت ملی مدرن، چاره ای جز تقویت یک نظام حزبی شفاف و قدرتمند نیست.

تاریخ معاصر ایران و جهان، گواه روشنی است که دولت مدرن و حکمرانی حزبی دوقلوهای گریز ناپذیرند و هر گاه هیأت جای حزب نشینند، لاجرم دولت مدرن نیز به سنت سابقین هبوط می کند. این از ویژگی های هر ملازمه است.

ظرفیت مدنی هیئت های مذهبی/ تجربه مدیریت هیئتی

حجت الاسلام والمسلمین داود مهدوی زادگان عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نقدی به این یادداشت نوشت: آن کس که هیئت های مذهبی را چالش بزرگ دولت مدرن می داند، تلقی نادرستی از ظرفیت مدنی هیئت های مذهبی دارد. تنها توجیه چنین چالش ساختگی، این پیش فرض است که هیأت های مذهبی به دلیل ماهیت دینی شان با دولت مدرن سکولار سازگاری ندارد و الا سازمان های موسوم به مردم نهاد (NGO) ها نیز ماهیت محفلی و محلی دارند ولی چنین چالشی میان آنها و دولت مدرن تلقی نمی شود.

اگر اندیشه مدرن، نگاه بسته و تنگ نظرانه و علقه های سیاسی خود را که هر امر غیر مدرن را سد راه پیشرفت می داند، کنار بگذارد؛ آن وقت خواهد فهمید که امری مانند هیئت مذهبی ظرفیت های مدنی بالایی در باز کردن گره های بوروکراسی دارد. قرار نیست که هیئت مذهبی جای دولت را بگیرد و به اصطلاح، دولت به گونه ای هیئتی عمل کند بلکه هیئت مذهبی می تواند کمک کار دولت باشد و حتی دولت می تواند در وضعیت گره های بوروکراسی به روش مدیریت

هیئتی عمل کند و بر مشکلات خود فایق آید. چنین مدیریتی، موفقیت خود را در عبور از وقایع ناگواری چون سیل و زلزله و حل معضلات اجتماعی و اقتصادی چون فقر و گرسنگی نشان داده است. سربلندی مدیریت هشت ساله دفاع مقدس به دلیل امتزاج آن با مدیریت هیئتی است. اگر چنین امتزاج مقدسی در دوران دفاع مقدس رخ نداده بود، معلوم نبود مرزهای سرزمینی ما دستخوش چه تغییرات تلخ و ناگواری می شد. چنین ظرفیتی را حتی در تشکل های مردم نهاد مدرن نمی توان سراغ گرفت تا چه رسد به احزاب سیاسی که صرفاً دغدغه تصاحب قدرت را دارند.

اساساً هیئت مذهبی، نهادی جمعی است که خاستگاه دینی دارد. کنش ارادتی، قدرت بسیج گری و سهولت در عمل؛ سه ویژگی مهم چنین نهادی است. و این هر سه ویژگی در حل مسایل و معضلات اجتماعی بسیار سازنده است. جامعه پیشرفته متعالی، به تراز بالایی از این سه ویژگی نیاز دارد. جامعه غیر ارادتی مبتنی بر فرهنگ واگرایی است و از احساسات عاطفی محروم است. مسایل در چنین جامعه ای تنها بر پایه منافع و محاسبه سود و زیان شخصی حل و فصل می شود. بحران اجتماعی در جایی که تعارض میان منافع شخصی و جمعی پدید آید، خود را نشان می دهد.

در این حالت، جامعه قراردادی تنها با اعمال زور و وضع مقررات سخت گیرانه می تواند از بحران عبور کند. حال آنکه جامعه ارادتی مبتنی بر فرهنگ همگرایی، قادر به عبور از بحران اجتماعی است. از طرف دیگر، بسیج عمومی برای فعلیت ارادت جمعی لازم است و بدون آن همدلی های شکل گرفته جهت گیری عملی پیدا نمی کند. همچنین، ارادت جمعی بسیج یافته در قالب کنش های سهل و ساده کار ساز است. بوروکراسی و مقررات دست و پا گیر به کلی دلسرد کننده احساسات عاطفی است و موجب تضعیف ارادت جمعی می شود. دولت مدرن به دلیل آنکه بر پایه نظم بوروکراتیک عمل می کند، از این سه ویژگی تقریباً محروم است. به عبارتی پاشنه آشیل دولت مدرن در این سه ویژگی است. برای همین خاطر است که سرعت عمل دولت مدرن در عبور از بحران، به دلیل فقدان آن سه ویژگی، خیلی کند و بطیئ است.

از این رو، نهادهای جمعی ارادتی مانند هیئت های مذهبی به دلیل برخورداری از این سه ویژگی، بخوبی می توانند دولت مدرن را در عبور از بحران های اجتماعی و بلایای طبیعی کنند. یک نمونه از چنین تجربه موفقیتی را می توان در سیل ویرانگر در آغاز سال ۹۸ مشاهده کرد. مدیریت هیئتی خیلی زود تر از مسئول و کارگزار دولتی توانست با تکیه بر سه اصل ارادت، بسیج گری و سهولت، در صحنه حادثه حضور پیدا کند و امداد های عاجل خود را عملی سازد. بنابراین، قطعاً عقلانی نیست که دولت مدرن را از تشکل های مردم نهاد دینی مانند هیئت های مذهبی محروم سازیم. چرا نباید دولت مدرن از ظرفیت مدنی بی بدیل هیئت های مذهبی در حل مسائل و معضلات اجتماعی استفاده کند. در ماجرای سیل اخیر، حتی سازمان های مردم نهاد (NGO) ها (عرفی از مدیریت هیئتی جا مانده بود. اصولاً اینکه باید دولت مدرن در شرایط بحرانی به روش مدیریت هیئتی عمل کند، تجربه پذیرفته شده جهانی است.

اما مفروض غیر دینی بودن دولت مدرن در تصویر چالش مذکور، از اساس مردود است، چون دولت در نظام اسلامی اساساً غیر دینی نیست تا تلقی چالش دولت مدرن و هیئت های مذهبی شکل بگیرد. دولت مدرن در نظام اسلامی به دور از ایدئولوژی های سکولار به خدمت گرفته شده است. چنین نیست که ایدئولوژی مدرن بخش انفکاک ناپذیر دولت مدرن است. حتی چنین تلقی (جدایی دولت مدرن از هیئت های مذهبی)، با این شدت و غلظت، در تجربه مدرن دولت های غربی سابقه ندارد. پس بهتر آن است که برای حل و فصل معضلات اجتماعی و اقتصادی جامعه، تلقی های واگرایانه که موجب دو قطبی سازی های کاذب می شود، کنار گذاشته شود.